

ساختار زنده باغ‌های تهران

تحلیل مؤلفه‌های ساختار زنده در معماری تهران عصر قاجار

تألیف:

دکتر علمی اکبری

استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری

فاطمه عزالدین لو - حلما حبیبی خوزانی



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین

سرشناسه: اکبری، علی، ۱۳۶۴ شهریور -
عنوان و نام پدیدآور: ساختار زنده باغ‌های تهران: تحلیل مؤلفه‌های ساختار زنده در
معماری تهران عصر قاجار/ نوشته علی اکبری، فاطمه عزالدین‌لو، حلما حبیبی خوزانی.
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، واحد قزوین، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص:، مصور، جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۴۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: باغ‌ها -- ایران -- تهران
موضوع: Gardens -- Iran -- Tehran
موضوع: باغ‌ها -- ایران -- تهران -- ساختار -- تاریخ
موضوع: Garden structures -- Iran -- Tehran -- Hiistory
موضوع: معماری -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.
موضوع: Architecture -- Iran -- History -- 19th century
موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
موضوع: Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925
شناسه افزوده: عزالدین‌لو، فاطمه، ۱۳۷۲ -
شناسه افزوده: حبیبی خوزانی، حلما، ۱۳۷۵ -
شناسه افزوده: جهاددانشگاهی، واحد قزوین
رده بندی کنگره: DSR۲۰۷۹
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۱۸۰۱



انتشارات
جهاد دانشگاهی
قزوین

عنوان: ساختار زنده باغ‌های تهران
نویسنده: دکتر علی اکبری، فاطمه عزالدین‌لو و حلما حبیبی خوزانی
ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین
مدیر اجرایی: دکتر علی دل‌زنده
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸
قیمت: ۴۰۵,۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۷-۴۲-۷
دفتر انتشارات: قزوین، خیابان فلسطین شرقی، ابتدای خیابان توحید،
ستاد جهاددانشگاهی استان قزوین، واحد انتشارات.
تلفن مرکز توزیع و پخش: ۰۲۸۳۳۳۳۷۶۹۱

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۵	۱. تهران در گذر زمان
۱۷	مقدمه
۱۸	تهران پیش از صفویه
۱۹	تهران در دوره صفویه
۱۹	تهران در دوره زندیه
۲۰	تهران در دوره قاجار
۲۳	تحلیل ساختار شهری تهران در دروان قاجار
۲۹	۲. هنر و معماری در عصر قاجار
۳۱	مقدمه
۳۲	تحولات هنر و معماری در دوران قاجار
۳۶	مظاهر تجدد در هنر و معماری قاجار
۴۰	ویژگی‌های تزئینات در دوره قاجار
۴۵	۳. سنت باغ‌سازی در تهران عصر قاجار
۴۷	مقدمه
۵۰	واژه‌شناسی باغ
۵۱	تعریف باغ ایرانی و اصول آن
۵۲	چشم‌انداز تاریخی باغ ایرانی
۵۴	انواع باغ در ایران
۶۱	ساختار باغ ایرانی
۶۷	۴. باغ‌های تهران عصر قاجار
۶۹	مقدمه
۷۰	نمونه‌های مورد مطالعه
۷۱	باغ و عمارت عین‌الدوله
۷۶	باغ و عمارت عشرت‌آباد
۸۰	باغ و کاخ نیاوران
۸۶	باغ و کاخ گلستان
۹۷	باغ و عمارت مستوفی‌الممالک

۱۰۲	عمارت مسعودیه
۱۰۶	باغ و عمارت نگارستان
۱۰۸	باغ و کاخ سلطنتی فرح‌آباد
۱۱۰	باغ و عمارت فرمانیه
۱۱۳	۵. ساختار زنده باغ‌های تهران
۱۱۵	مقدمه
۱۱۹	نظریه ساختار زنده
۱۲۱	۱. مؤلفه‌های ساختار زنده
۱۳۸	۲. تحلیل ساختار زنده در باغ‌های تهران
۱۴۰	سؤال‌ها و فرض‌ها
۱۴۰	روش‌شناسی پژوهش
۱۴۲	تحلیل سلسه‌مراتبی AHP
۱۴۵	تحلیل باغ‌های مورد مطالعه
۱۴۶	برهمکنش متقابل مشخصه‌های ساختار زنده
۱۴۷	مطالعه یک
۱۵۰	مطالعه دو
۱۵۳	نتیجه‌گیری
۱۶۱	پیوست
۱۶۲	جداول و نمودارهای تحلیلی مطالعه یک
۱۶۹	جداول و نمودارهای تحلیلی مطالعه دو
۱۷۳	فهرست منابع

پیش گفتار



۱. مراسم سلام عید قربان در کاخ گلستان،
مأخذ: آلبوم اهدایی ناصرالدین شاه، لونیچی پشه، دهه ۱۸۵۰.

حتی اگر به‌زعم برخی از متفکران بپذیریم که شناخت تاریخ هنر در فرایند آفرینش اثر هنری ضرورتی ندارد،^۱ اما قطعاً باید اذعان کنیم که آفرینش اثر هنری مطلوب نمی‌تواند از سنت تاریخی خلق آن منفک شود. خلاقیت در خلق اثر تازه و اصیل، زمانی بروز می‌کند که شناخت کاملی از سنت‌ها و سازوکارهای آفرینش اثر هنری حاصل آمده باشد. این امر، در سرزمین کهن ایران که بار آفرینندگی مظاهر تمدن را از زمان‌های دیرین به دوش می‌کشد، برای هنرمندی که می‌خواهد در راستای همان سنت‌ها اما با توجه به اقتضائات و ابزارهای امروز، جهان خیالین خود را در آثارش متجسد کند، بسی مهم‌تر و حیاتی‌تر است. دو پرسش اساسی در اینجا مطرح می‌شود: ۱. چرا هنرمند امروز می‌باید در راستای سنت‌های تاریخی گام بردارد؟ ۲. شناخت دقیق سنت‌های تاریخی خلق اثر هنری چگونه حاصل می‌شود؟

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت در دنیای امروز، به‌ویژه با اوج‌گیری دستاوردهای انقلاب سایبرنتیک و فناوری دیجیتال، فرهنگ غالب در همه عرصه‌ها، توسط نهادهایی در غرب تدوین، تبیین، تبلیغ و ترویج می‌شود که چارچوب اندیشه و سبک زندگی متناسب با آن را به اتکای فناوری علمی، با حمایت‌های نظام‌های سرمایه‌ای، در اختیار گرفته‌اند و با القای محوریت و مرجعیت خود،^۲ به استانداردهای ارزش‌ها و تسطیح فرهنگ‌ها و تحلیل آن‌ها در فرهنگ غربی می‌پردازند. سازوکارهای موجود در مواجهه با جریان جاری را می‌توان به سه نوع راهبرد تقسیم و تفکیک کرد: ۱. تسلیم و پذیرش هژمونی غربی، ۲. مقاومت و عدم پذیرش دنیای امروز و ۳. تعامل و تبادل با نظام‌های قدرتمند جریان‌ساز. در راهبرد نخست، فرهنگ‌های پذیرنده، به ناتوانی خود در برابر جریان غالب اذعان می‌کنند و آن را به‌مثابه تنها الگوی ثمربخش برای بشر امروز می‌پذیرند. در ایران، نمونه این نگرش در دوران قاجار در اندیشه‌های برخی متفکران مانند عبدالرحیم طالب‌اوف، میرزا ملکم‌خان، سیدحسن تقی‌زاده و میرزا یوسف خان مستشارالدوله از نیمه دوم سده نوزدهم قابل‌ردیابی است. نهایتاً مجموعه اندیشه‌های

۱. نک: شهیدی، «تاریخ هنر و وضع کنونی آن در ایران از منظر اهل نظر»، ص ۳۵-۸.

این طیف فکری را می‌توان در جمله معروف سیدحسن تقی‌زاده، مشروطه‌خواه تبری‌زی متأثر از لیبرال دموکراسی غربی (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۳۶۵) خلاصه کرد که گفت ما باید از نوک پا تا فرق سر غربی شویم. در طیف دوم، ارزش‌های مدرنیته غربی در تمامی ساحات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مردود و غیرقابل‌پذیرش اعلام شد. برخی از صاحب‌نظران این حوزه راه سعادت را در تفکر مذهبی و دینی دیدند و برخی دیگر در تفکرات ملی‌گرایی ایرانی. میرزا آقاخان کرمانی، میرزا فتحعلی آخوندزاده و تا حدی ملک‌الشعراى بهار را می‌توان جزو دسته دوم قلمداد کرد. اما گروه سوم، تعامل با غرب را در یک فرایند تبادل دوطرفه (در صورت امکان) مطرح کردند و اذعان داشتند آنچه در فرهنگ غربی، مطلوب است را باید پذیرفت و درعین حال باید آنچه در سنت تاریخی زیست‌جهان ایرانیان به‌مثابه دستاورد تاریخی، از پس قرن‌ها سکونت در این سرزمین، حاصل آمده است را به‌مثابه ارمغانی برای بشر امروز در سراسر جهان، مطرح و ارائه کرد. به‌مثابه پیش‌زمینه‌ای برای این بحث، برخی از پژوهشگران به علل عقب‌ماندگی ایران و پیشرفت غرب نیز پرداختند تا راه‌های پیشرفت را نشان داده و هموار کنند.^۱

نخستین شرط لازم برای برقراری چنین تبادل دوطرفه‌ای با دنیای غرب، درک و شناخت دقیق، عمیق و کامل از میراث تمدنی خود با تمام جنبه‌ها، ویژگی‌ها و شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری آن در طول تاریخ است. فهم روح سرزمین ایران، درک چارچوب جهان‌بینی ایرانیان در طول تاریخ، نسبت انسان ایرانی با خداوند، مفهوم زندگی، با خویشتن و دیگران، با طبیعت و شرایط اقلیمی این سرزمین پهناور، برداشت و تفسیر او از مسئله سعادت، مرگ و زندگی پس از مرگ، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم و سنت‌ها و ابزارهای بیانش چون زبان و ادبیات پارسی، هنرها و موسیقی‌اش، می‌تواند زمینه را برای بودن در جهان امروز فراهم آورد.

شرط دوم ایجاد مبادله و موازنه با دنیای غرب و شرق، شناخت یا ایجاد ابزارهای مبادله جهان‌شمول و همه‌فهم است که به اتکای سرشت واحد انسانی همه آحاد بشر، بتواند وسیله‌ای برای برقراری ارتباط فراهم آورد. در این راستا، می‌توان از مشترکات مبانی فکری و نیز ابزارهای بیانی اندیشمندان غربی با چارچوب‌های اندیشه ایرانی بهره برد. آنجا که فهم، برداشت و تفسیر مشترک از پدیده‌های عالم حاصل می‌شود، همان‌جا سرآغاز خلق زبان مشترک و برقراری گفت‌وگو و دادوستد فرهنگی است. یافتن این چنین زبان بین‌المللی‌ای می‌تواند در بازشناخت میراث تمدنی برای ما ایرانیان نیز مفید باشد و بر عمق ادراک و شناخت ما از خویشتن مان بیفزاید.

در این بین، یافتن زبان مشترک در فهم و خلق اثر هنری و به‌ویژه فضا و کالبد معماری اهمیت ویژه‌ای دارد. معماری در ایران، چه از جنبه کالبد‌های ساخته‌شده و تنوع کاربری‌ها و پاسخ‌گویی به نیازها و ساحت‌های متنوع زندگی انسان و از چه از جنبه اصول، مبانی، ابزارها و شیوه‌های ساخت بنا، یکی از بارزترین و متعالی‌ترین جلوه‌های هست-بودن-در-جهان ایرانیان است و همه ارکان فرهنگی آنان را به

۱. نک: صادق زیباکلام، ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران، نشر روزنه.

منصه ظهور می‌رساند. معماری در ایران، به بهترین نحو به نیاز ایرانیان در عبادت پاسخ داده و معماری فضای عبادی را پیش و پس از اسلام به اوج خود رسانیده است. نیاز ایرانیان به تأمین مایحتاج روزمره به کارترین و کاربردی‌ترین وجه ممکن در بازارها پاسخ داده شده است و ایرانیان، در فضای سرپوشیده و امن، در راسته‌های اختصاصی، در شرایط آب‌وهوایی متعادل و کنترل‌شده، در آرامش کامل ساعت‌ها به خرید می‌پرداختند و آنچه لازم داشتند را به راحتی تهیه می‌کردند. حین خرید، بهره‌مندی از فضای باز و حضور سایه‌سار درختان جهت استراحت، حضور مسجد جهت عبادت، غذاخوری برای صرف ناهار و زیبایی‌های بصری کالبدی در تزئینات بنا، مطلوبیت عرصه زندگی را برای‌شان دوچندان می‌کرده است. در گوشه‌های باغ‌ها ارتباط با طبیعت را به بهترین نحو می‌زیسته‌اند و در کاروانسراها در سفر، استراحت می‌کردند و می‌آرامیدند. اوج همه این‌ها، در خانه، مأمن همیشگی و پایدار ایرانیان، در جمع خانواده تجربه و زیست می‌شده است. همه کالدهای معماری در ایران، ضمن کارآمدی و پاسخ‌گویی عملکردی، حامل معانی عمیق زندگی بوده و همواره ذهن مخاطبان خود را به معنای زندگی ارجاع می‌داده است. از این رو، شناخت معماری در ایران، مهم‌ترین دریچه به شناخت این فرهنگ غنی و کهن به شمار می‌آید.

مکتوب کردن تاریخ هنر و معماری در طول تاریخ ایران مسبوق به سابقه نیست. مطالعه تاریخ معماری در ایران حدود یک‌صد سال پیش آن‌هم توسط غربی‌ها آغاز شد. مستشرقانی که هر یک بنا به دلایلی خاص و متفاوت از علاقه به باستان‌شناسی گرفته تا جست‌وجو برای یافتن مکان مناسب برای برپایی پایگاه‌های نظامی آمریکا در ایران، شروع به پژوهش و مستندسازی آثار معماری در ایران کردند. الگ گرابار و دونالد ویلبر، تاریخ هنر و معماری را با صفت «اسلامی» در سرزمین‌های شرقی و کشورهای مسلمان مورد مطالعه قرار دادند و کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در این باره منتشر کردند.^۱ آرتور پوپ، باستان‌شناس آمریکایی، مطالعات خود را در معماری ایران از پیش از اسلام آغاز کرد و کل تاریخ معماری در ایران را مورد مطالعه جامع قرار داد که نتیجه تلاش‌های او مجموعه سی جلدی معماری ایران است. تحقیقات ویلبر مفروض بر آن بود که تاریخ معماری ایران را نه صرفاً در تحول اشکال که باید در سیاق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمانه و زمین‌هاش بررسی کرد. او سه عامل معمار، بناکننده و استفاده‌کننده را تأثیرگذار بر شکلگیری بنا میدانست اما در روش، در پی سبکشناسی و دوره‌بندی آثار بر مبنای دوره‌های حکومتی و گونه‌شناسی ابنیه بود. آرتور پوپ با توجه دادن به بستر خلق اثر معماری بر این باور بود که بدون توجه به بستر فرهنگی جامعه نمیتوان به شناخت معماری نائل شد. او ارزشهای

۱. نک: دونالد ویلبر، تاریخ تمدن ایران: پرسپولیس تخت‌گاه شاهانی ایرانی، انتشارات وزرا.

دونالد ویلبر، معماری تیموری در ایران و توران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

دونالد ویلبر، باغ‌های ایران و گوشه‌های آن، انتشارات علمی فرهنگی.

دونالد ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، انتشارات علمی فرهنگی.

الگ گرابار، شکل‌گیری هنر اسلامی، انتشارات حکمت سینا.

الگ گرابار، معماری و تزئینات اسلامی، انتشارات علمی فرهنگی.

اعتقادی جامعه، تاریخ سیاسی و اجتماعی، تولیدات فرهنگی همزمان با هر اثر هنری را مؤثر در شناخت آن اثر می‌دانست. اما روش او بیشتر معطوف به مطالعه عناصر ظاهری و اجزای آنها شد (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۱۶).

اما نخستین ایرانی که به مطالعه مدون و شناخت مدرن تاریخ معماری ایران پرداخت، محمدکریم پیرنیا بود. پیرنیا با بازدیدهای میدانی از بناهای تاریخی معماری در ایران، ضمن برداشت و مستندسازی بنا، با معماران و سازندگان سنتی نشست و برخاست داشت تا ضمن آموختن تکنیک‌های اجرای بناها با ادبیات بومی و اصطلاحات خاص آنان نیز آشنا شود و بعدها آن‌ها را در نوشته‌های خود مکتوب و مستند کرد. محصول پژوهش‌های طولانی و ارزشمند او، عمدتاً در شناسایی و معرفی اصول معماری ایران و نیز سبک‌شناسی معماری گذشته ایران متبلور شد. در همین راستا، پژوهشگران دیگری نیز با اصالت دادن به فهم ویژگی‌های کالبدی اثر هنری به‌مثابه مهم‌ترین ابزار شناخت اثر (حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۸-۷) به برداشت، مستندسازی و تهیه نقشه‌های آثار معماری ایران پرداختند و محصول آن انتشار مجموعه گنج‌نامه است.

نگرش متفاوتی به معماری گذشته ایران توسط محمدمنصور فلامکی مطرح شد که بر همانندی معماری با شعر و موسیقی در پرمزوراز بودن به‌ویژه آنگاه که در ایران زمین آفریده می‌شود، تأکید می‌کند. مفروض این نگرش آن است که معماری در ایران واجد زمینه‌های عرفانی است و در این حوزه فهم می‌شود. برای نشان دادن این مفروض، نظریه ایشان راه به زبان و ادب پارسی به‌مثابه تجلی‌گاه ناب معانی عرفانی و دریچه نفوذ به دنیای اندیشه ایرانیان در طول تاریخ می‌برد و از این منظر به قرائت معماری می‌پردازد (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۱۷). محصول پژوهش‌های وی ده‌ها عنوان کتاب و مقاله است.^۱

رویکرد جامع دیگر به شناخت معماری گذشته ایران، توسط مهرداد قیومی بیدهندی تحت عنوان مزاج دهر نظریه «حیات زمانه» مطرح شده است. او زمانه را مجموعه‌ای از زمان و مکان می‌داند که در هر دوره از تاریخ دارای حیات منحصر به خود است و شناخت این حیات است که می‌تواند مبنایی برای دوره‌بندی آثار هنری و معماری در ایران باشد (قیومی، ۱۳۸۶: ۱۲-۵).

در همه این رویکردها، ابتدای پژوهش‌ها بر گفتمانهای درون‌فرهنگی است و از برقراری ارتباط و دیالوگ با فرهنگ‌های دیگر بازمی‌ماند و نمی‌تواند در تبادل فرهنگی در دنیای امروز عرضه شود. امری که در جهان امروز ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش پیش روی شما تلاش شده است تا خوانش معماری گذشته ایران، معطوف به باغ‌های تهران عصر قاجار، بر اساس نظریه ساختار زنده^۲ کریستوفر الکساندر^۳ انجام شود. نظریه‌ای که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ در مجموعه چهارجلدی تحت عنوان سرشت

۱. برای مطالعه بیشتر نک:

محمدمنصور فلامکی، اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا.
محمدمنصور فلامکی، ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، نشر فضا.

2. Living Structure

3. Christopher Alexander (1936-)

نظم^۱ توسط مرکز مطالعات ساختار محیطی در برکلی منتشر شد. کریستوفر الکساندر در این نظریه که حاصل سی سال پژوهش‌های میدانی او در سراسر دنیا و تفکر عمیق در ساختارهای زنده در طبیعت و جوامع سنتی بوده، تلاش کرده است راهی نوین برای فهم و خلق فضاهای زنده در همه فرهنگ‌ها و مبتنی بر سرشت واحد انسانی ارائه کند. راهی که به زعم او تنها راه حفظ حیات زمین در قرن بیست و یکم است و در صورت ادامه یافتن سازوکارهای جاری فعلی باید منتظر نابودی زمین و نوع بشر بود (Alexander, 2002 a,b). در این کتاب، تلاش شده است تا نخست مؤلفه‌های ساختار زنده در نظریه الکساندر تشریح گردد و سپس با مطالعه برخی از باغ‌های تهران عصر قاجار، میزان تطبیق‌پذیری آن نظریه با ساختارهای باغ ایرانی بررسی گردد.

پژوهش حاضر می‌تواند ضمن تعمیم به سایر کالبد‌های معماری ایران، زبانی مشترک بر اساس ادبیات نظری بین‌المللی فراهم آورد تا زمینه معرفی و عرضه دستاوردهای تمدنی جهان‌بینی ایرانی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ساختارهای اندیشه در طول تاریخ بشر فراهم گردد و اندیشمندان و پژوهشگران این حوزه بتوانند فهم متفاوتی از معماری گذشته ایران به دست دهند. امید است پژوهش حاضر برای مخاطبان حوزه تاریخ معماری ایران مفید واقع شود.

۱. تهران در گذر زمان



۲. عکس هوایی از میدان مشق تهران که توسط والتر میتل هولستر،
خلبان سوئیسی گرفته شد.

Walter Mittelholzer, 1925: 95.

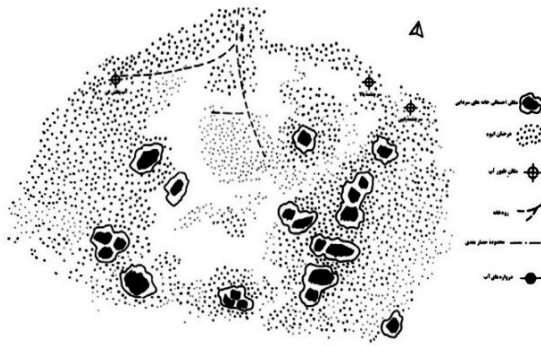
مقدمه

قلمرو مکانی مورد پژوهش شهر تهران عصر قاجار و حومه آن است. به طور خلاصه می‌توان گفت پیشینهٔ ایجاد روستایی که پیش از انتخاب آن به عنوان پایتخت حکومت قاجار، تهران نام داشت، به قبل از سده سوم هجری می‌رسد (قبادیان، ۱۳۹۷: ۵۵). به سال ۹۶۱ هجری قمری شاه طهماسب صفوی حصارى با ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن مجید) و چهار دروازه به نام‌های شمیران، دولاب، شاه عبدالعظیم و قزوین پیرامون روستای تهران ایجاد می‌کند که بعدها به نام حصار طهماسبی معروف می‌گردد و تدریجاً شهر تهران با چهار محله به نام‌های عودلاجان، سنگلج، چاله میدان و بازار شکل می‌گیرد و ارگ سلطنتی نیز بخشی از شهر را تشکیل می‌دهد. در اوایل عصر قاجاریه دو دروازه دیگر به نام‌های دروازه دولت و محمدیه در این حصار ایجاد می‌شود. به سال ۱۲۰۰ هجری قمری، آقا محمدخان در تهران بر تخت پادشاهی می‌نشیند و تهران رسماً پایتخت کشور اعلان می‌دارد (همان). در این دوره با توجه به مناسبات و اقتضائات سیاسی و حکومتی شهر تهران به شدت گسترش می‌یابد و به دنبال آن حصار قدیم طهماسبی برچیده می‌شود و به سال ۱۲۸۴ هجری قمری در عهد ناصرالدین شاه حصار جدیدی به شکل ۸ ضلعی با ۱۲ دروازه احداث می‌گردد که به نام حصار ناصری معروف می‌شود (همان). در ادامه به طور تفصیلی به تحولات تهران در این دوره پرداخته خواهد شد.

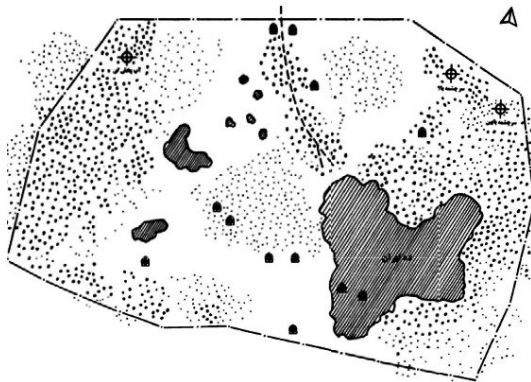
خواهیم گفت که ناصرالدین شاه متأثر از سفرهای اروپایی‌اش تحت تأثیر شهرهای اروپایی قرار گرفته بود و کار توسعه شهر تهران با شتاب بیشتری دنبال کرد. تهران در دورهٔ قاجار، از چندین محله تشکیل می‌شده است. مهم‌ترین قسمت شهر ارگ سلطنتی بوده است. ارگ، محوطه‌ای وسیع بود که بناهای سلطنتی، ساختمان‌های اداری، انبارهای حکومتی، بعضی از سفارت‌خانه‌ها و خانه‌های عده‌ای از رجال حکومتی در آن قرار داشت و از بقیه قسمت‌های شهر مجزا بود (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

تهران پیش از صفویه

تهران تا پیش از یورش مغولان و ویرانی ری ناشی از آن، قریه‌ای کوچک از توابع ری محسوب می‌شد که با از میان رفتن ری به تدریج بر رونق آن افزوده شد و طی دوره‌های مختلف از روستایی کوچک و کم‌اهمیت به شهری کوچک و نهایتاً در دوره صفویه به شهری بزرگ‌تر با حصار مبدل شد. تاریخ تهران پیش از دوره صفویه بیش از آن‌که در آثار تاریخی به‌جای مانده مشهود باشد، در کتاب‌های تاریخی قابل دسترس است (حاج یاسینی، ۱۳۹۰: ۲۲).



۳. نحوه و محل زندگی ساکنان تهران زیر زمین با انبوه درختان در قرون اولیه اسلامی (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)



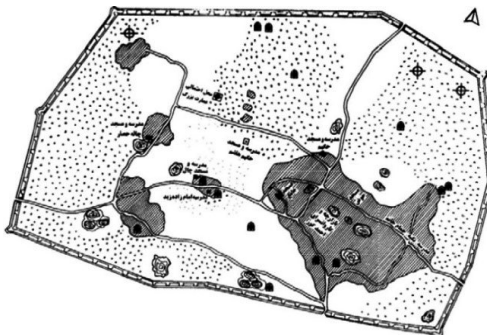
۴. نقشه تقریبی تهران در قرن هشتم و نهم ه.ق (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)

تهران در قرن ششم به صورت قریه‌ای نه‌چندان معتبر باقی مانده بود و تحت حکومت خوارزمشاهیان اداره می‌شد. شهر ری که تقریباً در شش کیلومتری تهران قرار داشت، کانون عظیم فرهنگ و تمدن این خطه به شمار می‌رفت. پس از حمله مغولان به شهر ری و ویرانیهای گسترده آن، عده زیادی از اهالی ری به تهران مهاجرت کردند و این امر موجب شد تهران به تدریج از شکل روستا بیرون آمده و به شهری کوچک تبدیل شود. بعدها پای جهانگردان نیز به تهران رسید و احتمالاً اولین جهانگردی که به تهران سفر کرده، نماینده هانری سوم، پادشاه اسپانیا، در دربار امیر تیمور است که در سال ۸۰۶ ه.ق به تهران آمد. وی در

سفرنامه خود از باغ‌ها و میوه‌های فراوان، آب زیاد و آب‌وهوای سالم تهران نوشته است. در این دوره کشاورزی و باغداری توسعه پیدا کرد و این امر نظر مهاجمان و ساکنان روستاهای اطراف تهران را به خود جلب کرده بود (همان).

تهران در دوره صفویه

اهمیت و آبادانی و رونق تهران از زمان خاندان صفوی آغاز گردید. در این دوره با کشیدن حصار به دور تهران، قریه تهران به شهر تبدیل شد. شاه طهماسب اول، دومین پادشاه صفوی تهران را مورد توجه قرارداد و به دستور او دورتادور آن دیوار و برج‌هایی بنا کردند (عدل و اورکار، ۱۳۷۵: ۳۶). وی به سال ۹۶۱ ه. ق. حصارى با ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن مجید) و چهار دروازه به نام‌های شمیران، دولاب، شاه عبدالعظیم و قزوین پیرامون روستای تهران ایجاد می‌کند که بعدها به نام حصار طهماسبی معروف می‌گردد. تدریجاً شهر تهران با چهار محله به نام‌های عودلاجان، سنگلج، چاله میدان و بازار شکل می‌گیرد و ارگ سلطنتی نیز بخشی از شهر را تشکیل می‌دهد (قبادیان، ۱۳۹۷: ۵۵).



۵. نقشه تقریبی تهران در دوره افغان، افشار و زند (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)

پس از او گسترش تهران در دوره پادشاهان بعدی صفوی ادامه یافت. شاه عباس نخستین کاخ سلطنتی را به نام چهارباغ در تهران برپا داشت. بنا به گفته پیتر و دلاداله^۱ جهانگرد ایتالیایی، شهر تهران در سال ۱۶۱۸ میلادی (۱۰۲۸ ه. ق) با قنات‌های پرشمار به ویژه چنارستان خود که قصر را احاطه کرده بود و سرآغاز

ارگ سلطنتی به شمار می‌رفت، شهری نسبتاً زیبا بود. در اواخر عصر صفوی با آنکه پایتخت شاهان ایران اصفهان بود، در تهران نیز اقامت می‌کردند (عدل و اورکار، ۱۳۷۵: ۳۶).

تهران در دوره زندیه

پس از افغان‌ها، کریم‌خان زند این منطقه را تا حدودی آباد کرد، در دوره او باروی ارگ تعمیر شد و مجدداً برج و بارویی در اطراف ارگ احداث کرده، خندقی عمیق به گرد آن حفر نمودند. حصار و خندق ارگ تهران را استاد غلامرضای تبریزی، معمار معروف آن زمان، به دستور کریم‌خان ساخته و حفر کرد. در سال ۱۱۸۰ ه. ق. کریم‌خان فرمان داد در غیاب او در محل ارگ سلطنتی که در آن هنگام جز چهارباغی از شاهد عباس و قصر و دیوان‌خانه‌ای از شاه سلیمان صفوی، عمارت مهم دیگر نداشت، عمارت سلطنتی و دارالحکومه و یک دسته حرم‌خانه و خلوت‌خانه بنا نمایند (نوربخش، ۱۳۸۰: ۱۵۸). بدین ترتیب ارگ ویژگی قلعه-کاخ پیدا کرد. از جمله کارهای عظیم دیگری که در این دوره انجام گرفت برپا کردن برج‌های دیده‌بانی در بیرون هریک از دروازه‌های شهر بود (عدل و اورکار، ۱۳۷۵: ۳۷).

1. Pietro della Valle (1586-1652)

تهران در دوره قاجار

اولین باری که در کتاب‌ها اسم تهران آمده است به مناسبت نام یکی از فقهای ایران، ابوعبدالله محمد بن حماد الطهرانی الرازی است، چون تهرانی رازی گفته‌اند و رازی یعنی اهل ری، پیداست که این دانشمند از همین تهران خودمان بود و او حدود یک هزار و یک صد سال پیش از این در گذشته است (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۱: ۱۵).

سلسله قاجار از بازماندگان ترک‌های دشت قباچاق بودند که نام‌شان را از قاجار نوینان بن سرتاق گرفته بودند (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۲: ۳). سرتاق نوین پسر سابانویان بن جلایر نیروی یکتا بود که سمت اتابکی ارغوان را داشت. از پسر او قاجارنوین، فرزندان بسیاری پدید آمد که خود را به نام جدشان، قاجار نامیدند (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۴۴: ۸-۷). برای نخستین بار آقا محمدخان قاجار به سال ۱۲۰۰ ه.ق، تهران را به پایتختی خود انتخاب کرد (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۸). شاید یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی که در تاریخ ایران گرفته شده است، همین باشد. انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت از سوی آقا محمدخان می‌توانست سه علت داشته باشد:

۱- نزدیکی به ایالت افشاری، ساوجبلاغ و غرب ورامین که حامی آقا محمدخان بودند (نجمی، ۱۳۸۴: ۹).

۲- نزدیکی به رشته‌کوه‌های البرز و شهرهای استرآباد و مازندران که در حقیقت، محل سکونت ایل قاجار و سران نیروهای طرفدار آقا محمدخان بود (ویشارد، ۱۳۶۳: ۸۶).

۳- تهران در سر راه شرق، شمال، غرب و جنوب کشور قرار دارد و به‌صورت محل تلاقی چهار راه جغرافیایی - نظامی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کرده است (معتمدی، ۱۳۸۱: ۶۵).

اما در واقع نخستین سازنده شهر تهران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۵ ه.ق) است. او دستور تراشیدن تخت مرمر مشهور را داد و ارگ سلطنتی را با ساختن عمارت بادگیر و اندرونی آذین کرد (عدل و اورکار، ۱۳۷۵: ۳۸). در اوایل عصر قاجار، دو دروازه دیگر به نام‌های دروازه دولت و محمدیه در حصار ایجاد می‌شود. آقا محمدخان، توانست حکومت را در خاندانی که از آن‌پس قاجاریه خوانده شد، برقرار کند. در این دوره، شهر تهران به‌شدت گسترش یافت به دنبال آن حصار قدیم طهماسبی برچیده شد. به سال ۱۲۸۴ ه.ق در عهد ناصرالدین‌شاه، حصار جدیدی به شکل هشت‌ضلعی با ۱۲ دروازه احداث گردید که به نام حصار ناصری معروف شد (قبادیان، ۱۳۹۷: ۵۵).

در زمان ناصرالدین‌شاه که بر اثر سفرهای اروپایی، نگاه او تحت تأثیر پیشرفت‌های شهرهای اروپایی قرار گرفته بود، کار توسعه شهر تهران با شتاب بیشتری دنبال شد. تهران در دوره قاجار، از چندین محله تشکیل می‌شد. خیابان‌ها کم‌عرض و کوچه‌ها تنگ و پیچ‌درپیچ بود. خانه‌ها بیشتر یک طبقه و گاه دوطبقه بودند که دارای حیاطی وسیع و حوض آبی در وسط بودند. تا اواخر دوره قاجار از نیروی برق و وسایلی چون اتومبیل و خیابان آسفالت‌شده خبری نبود. مهم‌ترین قسمت شهر تهران ارگ بود که بنیان



دروازه دولت



دروازه قزوین



دروازه دولاب



دروازه قار



دروازه میرمیران



دروازه مرک



دروازه دوشان تپه



دروازه بوست آباد



دروازه خانی آباد



دروازه خراسان



دروازه باشا



دروازه شاه عبدالعظیم

۶. دوازده دروازه تهران عهد ناصری (مأخذ: اتحادیه، ۱۳۷۷:۳۳۲)

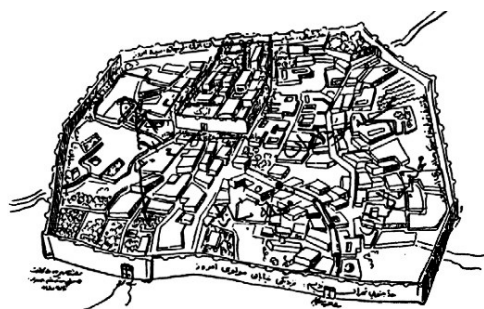
حصار طهماسبی تخریب شده و جای آن را خیابان‌های جدید الاحداث گرفته است. (قبادیان، ۱۳۹۷: ۷۵).

آن از زمان صفویه گذاشته شده بود. ارگ سلطنتی، محوطه‌ای وسیع بود که بناهای حکومتی، ساختمان‌های اداری، انبارهای حکومتی، بعضی از سفارت‌خانه‌ها و خانه‌های عده‌ای از رجال حکومتی در آن قرار داشت و از بقیه قسمت‌های شهر مجزا بود (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

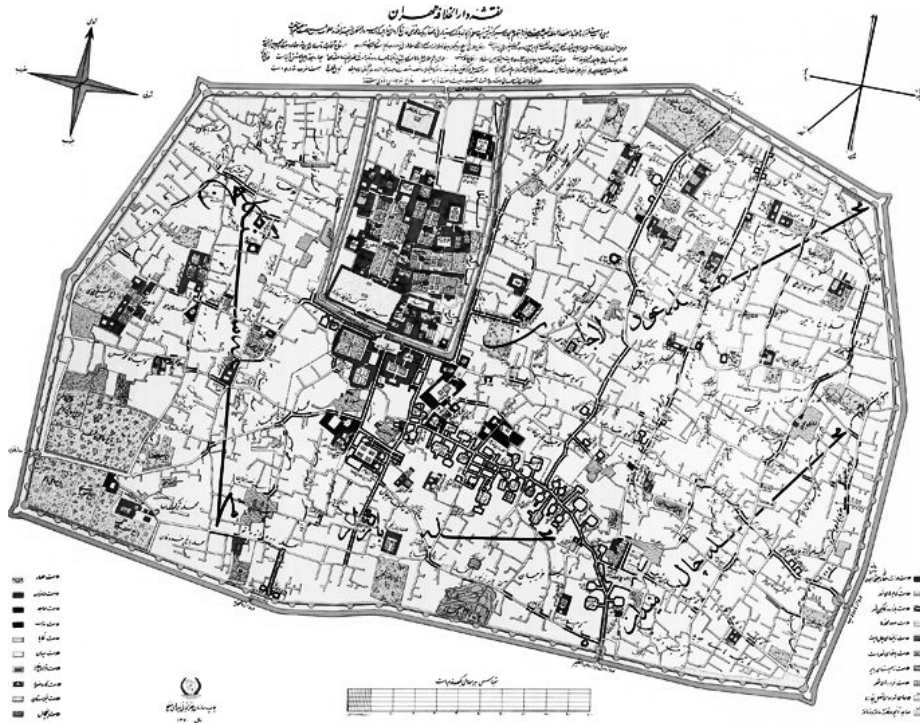
نقشه دارالخلافه ناصری که دقیق‌ترین نقشه عصر ناصری است و جزئیات بیشتری از بافت قدیم و جدید شهر را نشان می‌دهد، توسط عبدالغفار خان نجم‌الملک، معلم علوم ریاضی در مدرسه دارالفنون و شاگردانش تهیه شده است. این نقشه یک سال پس از آغاز توسعه شهر تهران یعنی سال ۱۲۸۵ ه.ق (۱۲۴۷ ه.ش و ۱۸۶۸ میلادی) شروع و به سال ۱۳۰۹ ه.ق (۱۲۶۹ ه.ش و ۱۸۹۰ میلادی) پایان پذیرفت. در این نقشه، دارالخلافه تهران در محدوده حصار جدید ناصری نشان داده شده است که



۸. نقشه تقریبی تهران در دوره حکومت آقا محمدخان قاجار (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)

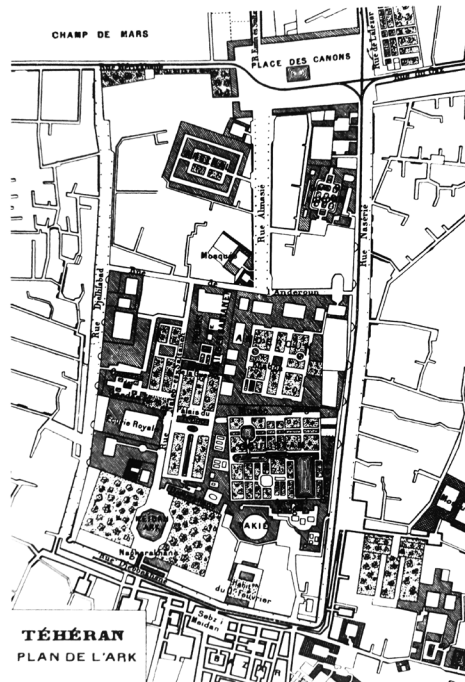


۷. نقشه سه‌بعدی تهران در دوره آقا محمدخان قاجار (مأخذ: معتمدی، ۱۳۸۱)



SHAHREFARANG.COM

۹. نقشه دارالخلافه تهران ترسیم از محصلین دارالفنون زیر نظر کرشیش اتریشی، ۱۸۵۸ میلادی.
(Mآخذ: Bahrambeygui, 1977)



۱۰. نقشه ارگ حکومتی در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه
(Mآخذ: Avery, 1991)

تهران تا قبل از احداث میدان توپخانه جدید، دارای دو میدان مهم، سبزه میدان و میدان ارگ بود که اولین در جنوب و دومی در جنوب غربی ارگ حکومتی قرار داشت. در ابتدا توپ‌های جنگی و توپچی‌ها در میدان ارگ مستقر بودند و این میدان به نام میدان توپخانه معروف بود (همان: ۷۶).

تحلیل ساختار شهری تهران در دروان قاجار

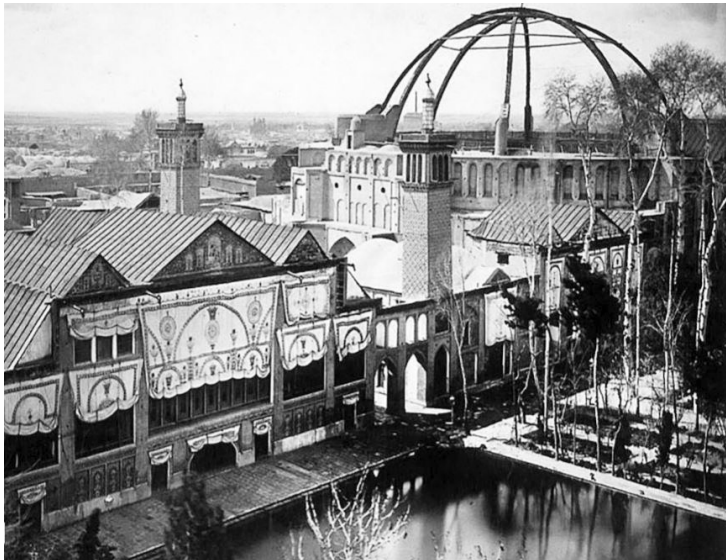
فهم هنر و معماری و شهرسازی دوره قاجار به‌عنوان آخرین دوره معرفی شده به‌عنوان تاریخ معماری و شهرسازی ایران از آن رو با اهمیت است که به‌رغم نزدیکی زمانی و حجم قابل توجه آثار معماری باقی مانده و نظام شهرسازی شکل گرفته، نه تنها مورد پژوهش‌های عمیق قرار نگرفته، بلکه حتی در مواردی با بی‌توجهی و بی‌مهری از آن به‌عنوان دوره افول و گسستگی هنری نیز یاد شده است. ایران در قرن سیزدهم هجری به‌رغم عقب‌ماندگی اقتصادی و صنعتی، دارای تنوع اقلیمی فراوان، پیچیدگی‌های اجتماعی مختلف و تفاوت‌های منطقه‌ای بسیار بود. روستاییان که در نیمه قرن سیزدهم حدود ۵۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند در قریب به ده هزار آبادی در سطح کشور می‌زیستند. در سرتاسر این قرن و حتی اواخر قرن بعد که جمعیت ده‌میلیونی تقریباً دو برابر شده بود، متوسط جمعیت ساکنان یک روستا هنوز بیشتر از ۲۵۰ نفر نبود. جمعیت شهری که کمتر از بیست درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌داد تقریباً در هشتاد شهر سکونت داشت. از این تعداد تنها ۱۱ شهر بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت داشت که شامل شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرمانشاه، یزد، کرمان، همدان، ارومیه و قزوین می‌گردید. عشایر که بیش از ۲۵ درصد جمعیت را شامل می‌شدند دارای ۱۶ گروه قبیله‌ای بودند که هر قبیله به گروه‌های مختلف و طوایف مختلف تقسیم می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

این دوره که در برخی محافل علمی به نام سبک تهرانی شناخته شده مربوط به اوایل قرن سیزدهم تا سال ۱۲۹۹ ه.ش است. در این دوره عوامل درونی و بیرونی باعث ظهور سبک و یا نهضت بازگشت در دوران قاجار شد؛ عوامل درونی که ریشه در رقابت پادشاهان قاجار در ساخت شهری همچون اصفهان و پایتخت صفویه داشت و عوامل بیرونی که سه مؤلفه اصلی آن عبارت بودند از:

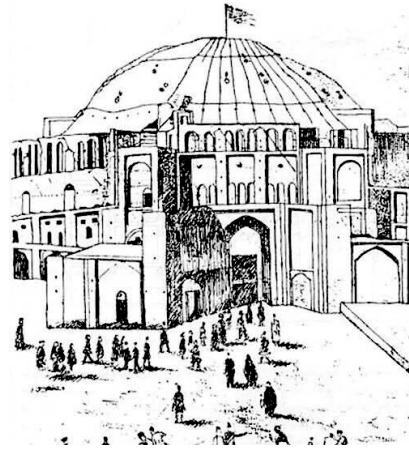
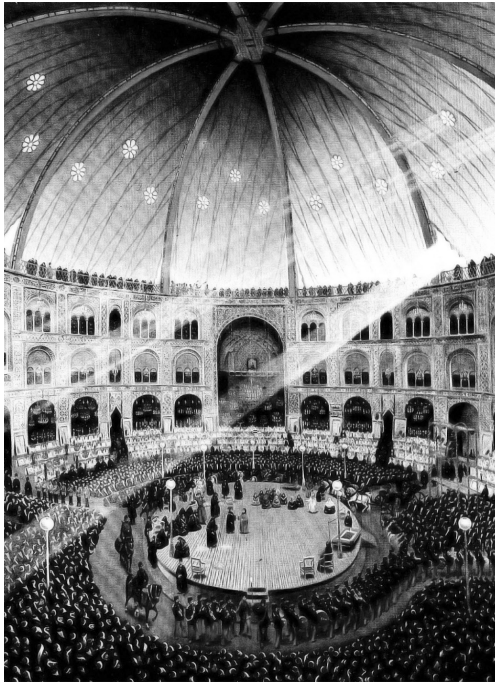
۱. تمایل پادشاهان قاجار به‌خصوص ناصرالدین شاه به ساخت شهری شبیه آنچه در سفرهای خود به فرنگ دیده بودند.
۲. تلاش‌های اقبال نوپای سرمایه‌دار تجاری در ساخت شهری که توانایی پذیرش روابط جدید قدرت را در فضای کالبدی خود داشته باشد.
۳. اقدامات افرادی همچون میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا محمدحسن خان سپهسالار که درصدد ایجاد سازمان دیوانی جدید و آموزش افرادی بودند که بتوانند این نظام جدید را پاسخگو باشند.

در این سبک از هنر و معماری، تقابل دو مفهوم جدید و کهن، نو و سنتی، فرنگی و بومی، اولین تأثیرات فضای کالبدی خود را در شهر بروز داد و خیابان‌ها و میدان‌ها با عناصر جدید اطراف‌شان محل گردهمایی اقشار اجتماعی متجدد و به اصطلاح فرنگی؛ بازار و بازارچه و مراکز محلات، محل تردد اکثریت افراد جامعه که هنوز بر مبنای روابط کهن زیست و تولید زندگی می‌کردند، شده بود. سبک تهران، برخلاف مکتب اصفهان، بنا به دلایل متعدد نتوانست دامنه دگرگونی‌های خود را به همه شهرهای ایران بگستراند. سبک تهران نه در انقطاع بلکه در تداوم مکتب اصفهان محسوب می‌شد و سبکی بود که جامعه کهن شهر را از نو آراست (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۴۰). ادامه سنت‌های ساخت بناها در بسیاری از آثار مشهود است. حتی مسجد سپهسالار که به دست میرزا مهدی خان شقاقی، نخستین معمار ایرانی تحصیل کرده در غرب، ساخته شد، در راستای سنت‌های کهن ساخت مسجد گام برداشت و سعی نکرد سنت شکنی کند.

شهر قاجاری از طریق نهادهای مدنی که محلات، تبلور کالبدی آن بود به چنان انسجامی دست یافت که در هیچ یک از دوره‌های پیش از آن شاهد نبودیم. در این سبک شاهد تفکیک محله‌های مختلف اقشار در جامعه هستیم که بر اساس آن شهرها در این دوره به قطعات مختلفی تقسیم می‌شود. همه چیز از فرهنگ و اقتصاد، عمران و آبادانی و نظام اجتماعی در ارتباط باهم و بر اساس مضمون زندگی جاری شکل می‌گرفت و از این رو تضادی میان زندگی مردم و شهر ایجاد نمی‌شد. در واقع رفت‌وآمدهای هیئت حاکم به اروپای آن دوران، شکلی از معماری و شهرسازی را در ذهن دولت‌مردان ایجاد کرد که با روش‌های کهن درهم آمیخته شد و سبکی التقاطی در معماری شهر به وجود آمد (حصاری اصل، ۱۳۹۶: ۸۶).



۱۱. تصویر سازه سقف تکیه دولت که بزرگ‌ترین تماشاخانه در ایران در زمان خود بود.



۱۲. نقاشی از ورود مردم به تکیه دولت

۱۳. نقاشی معروف کمال‌الملک از برگزاری مراسم تعذیه در تکیه دولت

در مجموع می‌توان گفت که شهرسازی در عصر قاجار تا حد زیادی ادامهٔ مکتب اصفهان به شمار می‌رود و در اصول از آن پیروی می‌کند. عناصر اصلی تهران دورهٔ قاجار که نمونهٔ معماری قاجار در آن متبلور شد شامل ارگ با حصاری در پیرامون خویش، مساجد و مدارس، بازار، میدان و محلات است. شهر دارای حصاری بود که در دوران صفویه احداث شده بود. شهر دورهٔ قاجار کالبدی از چهار عنصر حکومت، مذهب، اصناف و مردم است که این ترکیب از دوره‌های اولیه و از صدها سال قبل‌تر در معماری ایران دیده می‌شود. میدان اصلی شهر تهران تصویری نه‌چندان کامل و ظریف از میدان مکتب اصفهان بود. دروازهٔ ارگ به این میدان باز می‌شد و دهانهٔ اصلی بازار به آن راه می‌یافت و گذر اصلی شهر از آن می‌گذشت. مسجد جامع نیز به بازار گشوده می‌شد و این آغاز رشد تهران در درون دروازه‌های کهن بود (همان: ۸۷).

در طول تاریخ، معماری و شهرسازی در ایران تحت تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی درونی و بیرونی و عوامل تأثیرگذار وابسته به آن‌ها، دست‌خوش تغییرات فراوانی بوده است. این تغییرات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و شهرسازی ایران هم در فضای مفهومی و هم در فضای کالبدی موجب شده است. به این اعتبار، شهر تهران به واسطهٔ قرارگیری در کانون این تحولات و نیز به دوش کشیدن بار پایتخت سیاسی، در رأس نمونه‌هایی قرار می‌گیرد که کاملاً متأثر از جریان‌های متحول‌کننده و سنت‌شکن است. در تهران، تأثیرات دوره‌های مختلف هنری



۱۴. ساختمان تلگرافخانه از جمله کاربری‌های جدیدی بود که در دوران قاجار، چهره شهر تهران را مدرن و تجربه فضایی نویی برای شهروندان فراهم می‌کرد.

را می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد. از گسترش‌های کالبدی صورت گرفته در مقیاس پهنه شهر تا گونه‌ها و سبک‌های متعدد معماری، به منزله نشانه‌های قابل قرائت، نمودی از این تحولات هستند (دیوسالار و محمود کلاویه، ۱۳۹۳).

در عصر قاجار سازمان‌دهی فضایی عرصه‌های عمومی و خصوصی در شهرهای سنتی از جمله تهران بر محور بازار اصلی شهر و حوزه ارگ حکومتی تنظیم می‌شد. تمامی کالبدهایی نظیر دکان‌ها، کاروانسراها، مساجد، حمام‌ها، زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، مدارس و از همه مهم‌تر خانه‌ها که پیرامون محور بازار و در محلات بلافصل آن استقرار و انتظام داشتند، انواعی از روابط مردم را در عرصه‌های عمومی و خصوصی خود سازمان می‌دادند (صفا منش، ۱۳۸۴: ۷۵).

در این دوره با توجه به تحولات صورت گرفته در جامعه، نمای شهری تهران دچار تحولات اساسی گردید که این تحولات با هدف شبیه‌سازی تهران با شهرهای اروپایی صورت گرفت که در پی خواست دولت مردان صورت می‌پذیرفت. نمای شهری در گذر زمان همواره از پارامترهای مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تأثیر پذیرفته و در نسبت با آن‌ها کلیت خویش را انسجام بخشیده است. یکی از مهم‌ترین اجزا و عناصر کالبدی شهری که به‌ویژه در نسبت با شهر و تقویت حس مکان در فضای شهری مؤثر واقع می‌گردد، ترکیب نمای ساختمان‌ها و به‌عبارت‌دیگر نمای شهری است (طاهری پیلهرود و دیگران، ۱۳۹۲).

۱. به نقل از: بلبلان اصل، «بررسی تأثیر راه‌ها بر شکل‌گیری نظام ساختاری شهر تبریز در دوره قاجار»، صص ۶۰-۳۵.

جریان مدرنیسم که در غرب از قرن هفده میلادی با انقلاب صنعتی اوج گرفته بود و ریشه در انقلاب فکری در رنسانس از قرن پانزده میلادی داشت، در دوران قاجار وارد ایران شد و ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد و تصور ایرانیان را از پدیده باستانی و تاریخی شهر به کلی دگرگون کرد. نتیجه این تحولات اساسی، ایجاد بناها و کاربری‌های مدرن در شهر تهران بود. از جمله آن‌ها می‌توان به شکل‌گیری مفهوم مدرن میدان با ساخت میدان توپخانه اشاره کرد که طرح جدیدی از مفهوم میدان را پیش چشم ایرانیان قرار می‌داد که از تصویر ذهنی میدان نقش جهان اصفهان فاصله داشت. همچنین به وجود آمدن کاربری‌هایی مانند تماشاخانه‌های عمومی، تئاترها، تلگراف‌خانه، بانک‌ها، تکیه دولت و نیز جزئیاتی مانند سنگفرش کردن خیابان‌ها، ورود اتومبیل به سطح شهر، ساخت هندسه شهر متناسب با حرکت اتومبیل‌ها و آمدن چراغ به معابر شهری برای ادامه زندگی در فضای شهری پس از غروب آفتاب از جمله تحولاتی بود که در این دوران ایجاد شد. تغییرات فکری به وجود آمده در ساختار شهری تهران در اواخر دوره قاجار را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- توسعه فضایی تهران و پنج برابر شدن وسعت شهر ناشی از افزایش جمعیت و شکل‌گیری روابط جدید.

- شکل هشت‌ضلعی باروی جدید و تبعیت شهر تهران از الگوهای فرنگی.

- انتقال مرکز شهر از سبزه‌میدان و ارگ به میدان جدید (توپخانه) و کارکردهای نوین این مرکز.

- پیدایی مفهومی جدید از خیابان و کاهش نقش و موقعیت محوری بازار در فضای کلی شهر.

- شکل‌گیری محلات جدید و مفهوم تازه‌ای از محلات که با الگوی سنتی مغایر بود.

- آغاز تغییرات در ساختمان‌ها بر اساس الگوی غرب.

- برونگرا شدن فضاها عمومی و خصوصی برای اولین بار.

- حفظ بافت ارگانیک شهر و شبکه‌های ارتباطی آن در کنار بافت هندسی در مناطق جدید.

- ورود وسایل جدید حمل‌ونقل مانند تراموای اسبی و قطار (ماشین‌دودی)

- احداث دروازه بر اساس نیاز ابزار جدید

- ورود صنایع جدید و مکان‌یابی در شهر تهران و الزامات خاص این صنایع در گزینش مناطق

حاشیه‌ای و عدم وابستگی فضایی این گروه صنایع به نزدیکی به بازار سنتی تهران.

- احداث بناهایی نظیر مدارس متعدد به شکل جدید و نیز مدرسه سپهسالار و خانه مسکونی او که

نیازهایی فضایی دوره مشروطه را پاسخگو بود (ریاضی، ۱۳۸۹).

در جمع‌بندی گفتار حاضر می‌توان گفت که تهران در اوایل دورانی که به پایتختی انتخاب شد،

شهری سنتی با ساکنانی سنتی بود و بافت سنتی داشت. اما بافت این شهر نیز مانند دیگر عناصر سازنده

شهری تحت تأثیر روح زمان و متأثر از شرایط و عوامل گوناگونی قرار گرفت که زمینه‌های دگرگونی

شکل و محتوای آن را فراهم کرده است. در این میان اصلی‌ترین عامل، ورود فرهنگ غرب به ایران است

که رفته‌رفته در شهر نفوذ کرده و بافت تهران را به کلی دگرگون می‌کند. روند تغییر از ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه آغاز شد و تقریباً تا پایان دوره قاجار به طول انجامید. به‌طور کلی اقدامات محققان، فیلسوفان، معماران و هنرمندان در دوران قاجار را سرآغاز مدرنیته در ایران می‌دانند چراکه معماران و هنرمندان آن زمان سفرهای متعددی به کشورهای اروپایی داشته و به همین دلیل هنر ایرانی تأثیر و پیشرفت چشمگیری داشته است و با معماری غربی تلفیق پیدا می‌کند.

۲. هنر و معماری در عصر قاجار



۱۵. نقاشی تصویر کاخ‌های اروپایی در
کاشی‌کاری قاجاری در کاخ گلستان

